

اتحاد عمل کارگری

مصاحبه «کمیته اقدام کارگری» با محمد اشرفی

کمیته اقدام کارگری - رفیق محمد اشرفی؛ همانطور که اطلاع دارید موضوع اتحاد عمل هم اکنون در سطح بخشی از کارگران پیشرو مطرح و برای انجام آن تلاش می‌کنند. سوالی که از شما داشتیم این است که اصولاً چرا اتحاد عمل؟ اتحاد عمل بین چه کسانی و به چه دلیل باید صورت بگیرد؟ آیا هر تشکلی نمی‌تواند جداگانه برای اهداف خود فعالیت کند بدون نیاز به اتحاد عمل؟

قبل از پرداختن به سوالات، تذکر این نکته بسیار ضروری است. آنچه من در پاسخ سوالات شما می‌گویم همه نظر شخصی من است و هیچ‌گونه ارتباطی به تصمیمات و نظر جمعی کمیته پیگیری... ندارد. این تذکر به جهت اینکه من در حال حاضر سخنگوی کمیته پیگیری هستم لازم بود.

طی سالهای متمادی فعالیت انفرادی و جمعی پر تضاد گروهها، تشکلها، احزاب و محافل کارگری نشان داده است که هیچ‌کدام از آنها به تنهایی امکان رسیدن به کوچکترین هدف خود و حتی حفظ مطالبات بدست آمده را ندارند. همچنین بدلیل تفرقه و ساختار واگرایی موجود نه تنها طبقه کارگر توان پیشروی خود را نسبت به جلو گیری و مقابله با استثمار سرمایه داری از دست داده است، بلکه قدرت مقاومت و ایستادگی در حد امروزی و در جا زدن را نیز ندارد. پرواضح است در این نبرد هر چه طبقه کارگر ضعیف باشد و عقب نشینی کند حریف پرتوان شده هرچه بیشتر پیش روی خواهد کرد. اینکه چرا چنین وضعیتی پیش آمده است. نمی‌تواند موضوع این بحث باشد. اما می‌توان برخی از محورهای دخالتگر در وضعیت فعلی را نام برد. شکست‌های مکرر جبهه چپ، وجود انحرافات بسیار در جنبش کارگری، بحرانهای تئوریک و در همین حال اوج گیری نئولیبرالیسم... رامی‌توان نام برد. آنچه امروز برای طبقه کارگر ایران نیاز به بررسی دارد باز شناسی موقعیت و جایگاه جنبش کارگری، همچنین شناسایی محورهای دخیل در آن و به رسمیت شناسی تغییر دوره‌ها است.

در سال 57 دوره ای به پایان رسید و دوره جدیدی شروع شد که متأسفانه طبقه کارگر بخصوص پیشروان آن دست را باختند و به مدت بیش از دو دهه به حاشیه رانده شدند. این به حاشیه راندگی باعث شد بحران‌های یاد شده (ضمن اینکه خود از عوامل تشدید کننده شکست جنبش کارگری و چپ بودند) باز تولید شوند که از حاصل مجموع عملکرد آنها ساختار واگرایی و تفرقه صورت غالب به خود گرفت. دوره ی واگرایی نتایج ویرانگر و شکننده ای را بر طبقه و جنبش کارگری وارد کرد که مدتها طول خواهد کشید تا بتوانیم از زیر آوار و رسوبات آن که هنوز در حال زایش تفرقه است خارج شویم. به یاد داشته باشیم که دوره ی واگرایی با دوره اوج گیری قدرت نئولیبرالیسم مصادف بود و هست. از طرفی بر مبنای اصول کلی، دوره واگرایی تشکل‌های مخصوص خود را با شاخصه ی ساختار و اندیشه تفرقه گرایانه بر جنبش کارگری تحمیل کرده است. این ساختار و اندیشه در حال حاضر چنان غالب شده است که بیشتر فعالین ناتوان از تصور صورتهای دیگر مبارزاتی هستند و تصور اینکه می‌توان با توجه به اختلاف نظر ها و برسمیت شناسی آنها متحدانه در نقاط مشترک کار کرد برایشان غیر اصولی و غیر ممکن است. همچنین بحران تئوریک، از طرفی حذف فیزیکی پیشروان طبقه کارگر توسط بازیگران سرمایه داری در قالب‌های سنتی (ارتجاعی) مدرنیته و پست مدرن و در همین حال به هم خوردن توازن قوای چپ و راست به دنبال قدرت گیری نئولیبرالیسم در سطح جهانی و داخلی همگی دست به دست داده باعث رشد و باز تولید واگرایی شدند. خزیدن به لاک فردی و محفلی که یکی از نتایج دوره واگرایی است چنان در اندیشه و عملکرد فعالین ریشه دوانده است که اکثریت پیشروان طبقه کارگر در چارچوب و ساختار سنت تفرقه (مدار بسته) گیر افتاده اند و نه تنها صورت دیگری از مبارزه را نمی‌شناسند تصور آن را نیز با ترس و واهمه می‌نگرند. همچنین علی‌رغم اعتقاد به دیالکتیک از اندیشه‌های نوفراری هستند. به همین دلیل با مقوله اتحاد عمل برخی مخالفت می‌کنند برخی با شک و تردید و بعضی از درجه مهار و تعدادی نیز انحصار گرایانه با آن برخورد می‌کنند.

در هر حال ضرورت زنده ماندن و مبارزه برای مطالبات اولیه زندگی در سالهای اخیر باعث گشایش جبهه‌های جدید مبارزاتی در جنبش کارگری شده است. در طی سالهای اخیر هر کدام از تشکلها، احزاب، سازمانها و محافل تنها با بخشی از توان بالفعل (نه با تمامی توان بالفعل و بالقوه) خود تلاش کردند. تا به تنهایی به اهداف (اهدافی که بیشتر شان مشترک است) خود برسند. در اینجا لازم است بررسی کوتاهی تحت عنوان اینکه چرا تشکلها نتوانستند از تمامی توان بالفعل خود استفاده کنند و همچنین توان بالقوه خود را به بالفعل تبدیل کنند؟ انجام گیرد.

تشکل‌های که در دوره واگرایی پایه گذاری شدند ذاتاً و اساساً موجودیتشان بر اندیشه و افکار خودمحوری، فردگرایی، انحصار طلبی، انحلال گرایی و موازی سازی تکوین شده است. از طرفی تشکل‌های ماقبل نیز در جو غالب ساختار تفرقه و واگرایی هضم شده اند. بنابراین آن چه از آنها تراوش می‌کند نتیجه رسوبات تفرقه است در چنین وضعیتی هیچ‌کدام از افراد و اعضای دو نوع تشکل نامبرده عضو کنار دستی را به عنوان یک متحد برسمیت نمی‌شناسد و در همین حال اعضای تشکل کنار دستی را نه تنها به عنوان متحد قبول ندارد بلکه دشمن خود و طبقه کارگر می‌داند. در نتیجه امکان فعالیت جمعی در میان اعضای هر یک از این تشکلها با هم در حد حداقل است و میان تشکل

ها و اعضای یک تشکل با تشکل دیگر در حد صفر و گاهاً منفی و خنثی کننده یکدیگرند. با بررسی و ارزیابی عملکرد بسیاری از فعالین و مقایسه آنها با هم این ادعا ثابت می شود.

نشانه دیگر، وجود چندین لیدر مخالف باهم در هر تشکل و محافل ریز شده است که در کنار هم نه تنها اتحاد برای مبارزه، باهم ندارند برای اثبات حقانیت خود در داخل تشکل فوق نتایج فعالیت محفل کنار دستی را خنثی می کنند. بنا به دلایل فوق طی سی سال گذشته با وجود کثرت فعالین ضمن اینکه نتایج مبارزات مجموع نشده است بلکه یکدیگر را خنثی کرده اند. نهایتاً نتوانستند از تمامی ظرفیت توان بالفعل و بالقوه استفاده کنند. باز به همین دلیل نتوانستند جهت مبارزات تحقق یافته را هم سو کنند. این بازده نتیجه اجتناب ناپذیر و رسالت نهایی تشکل ها و بازیگران دوره و اگرایی است که باید برای اثبات حقانیت و موجودیت خود موجودیت و حقانیت تشکل و فعال کنار دستی را انکار کنند. بدلیل اینکه نیازهای اولیه زندگی کارگران تعطیل پذیر نیست بنابراین گسترش مبارزه ضرورت اجتناب ناپذیر است همچنین اشباع شدن ظرفیت تحمل طبقه کارگر نسبت به تحمیل فشارهای روز افزون اقتصادی توسط سرمایه داری بخصوص نئولیبرالیسم و فشارهای مضاعف انتقالی تشدید شونده وضعیت طبقه کارگر را به آستانه انفجار رسانده در همین حال پایان اوج گیری قدرت نئولیبرالیستی امکان رشد، ظهور و اوج گیری جنبش کارگری را بیشتر کرده است. با وجود چنین شرایط عینی متشکل شدن، سازمان دهی و سازمان یابی نیاز مبرم و ضروری است که هیچ کدام از تشکل ها، سازمانها و احزاب و محافل متعلق به دوره و اگرایی توان جوابگویی به ضرورتهای فوق را نداشته و ندارند. نیاز به فاز جدید است. این نیاز نوید دهنده پایان یک دوره دیگر است. پایان دوره و اگرایی و شروع دوره همگرایی البته خروج از دوره و اگرایی و ورود به دوره همگرایی یک مقطع زمانی کوتاه و لحظه ای نیست. بلکه خود یک دوره اتصال است یا بهتر است بگویم یک میان دوره یا دوره گذار است. که نام این دوره گذار را طی یک نوشته در سال 84 دوره دگردیسی گذاشته ام.

اتحاد عمل ضرورت دوره گذار است که بسیار سخت خواهد بود (مثل زایمان پردرد، زایمانی که حاصلش دوره همگرایی است) حتی ممکن است اتحاد عمل بارها زمین گیر شود، باز برخیزد. از شکست و به هم خوردن اتحاد عمل های مقطعی نباید دل سرد شد. چون بازیگران دوره همگرایی و دوره گذار همان بازیگران دوره و اگرایی هستند که باید طی پروسه دگردیسی در آزمایشهای بسیاری شرکت کنند و ضمن صیقل خوردن پالایش شوند. بخش پردرد زایمان همین پالایش است. طی این پروسه و نتایج آزمایشها و صیقل خوردن ها و پالایش، جنبش کارگری رهبران و فعالین خود را خواهد ساخت و از میان فعالین فعلی بعضی را که امکان و ظرفیت همراهی در دوره همگرایی را دارند در خود هضم خواهد کرد و برخی را که امکان و ظرفیت همراهی را ندارند به حاشیه خواهد راند.

همانگونه که دوره و اگرایی تشکل ها، احزاب، سازمان ها و محفل های خاص خود را در حد امکانات موجود تولید کرده است. دوره گذار (دوره دگردیسی) نیز ضرورتاً تشکل های مخصوص خود را (کمیت پیگیری ...، کمیت هماهنگی ...، ... و شورای همکاری ...) در حد امکان که ظاهراً "آش شعله قلم کار هستند ساخته و خواهد ساخت. نام این نوع تشکل ها را در نوشته های قبلی خود تشکل های نوظهور گذاشته ام.

خوب می دانیم وقتی مبارزات کارگری بر مبنای ضرورت های بیان شده گسترش یافتند و از ظرفی تشکل های دوره و اگرایی توان جوابگویی نداشتند و ندارند. تشکل های نوظهور یکی پس از دیگری ظاهر شدند. اما بازیگران این تشکل ها نیز به نوعی همان بازیگران تشکل های دوره و اگرایی با همان رسوبات اندیشه های تفرقه بوده و هستند. در همین حال بدنبال تشکیل شدن هر کدام از تشکل های نوظهور بازیگران دوره و اگرایی به صورتهای فردی و جمعی تلاش می کردند و می کنند تشکل جدید را متعلق به خود نشان بدهند. در حالی که ضرورت اجتناب ناپذیر گسترش مبارزات ساختار دگردیسی را پیش می برد و می برد. نمود این تضاد های دورنی برخورد ها و چالش های شدید و تلاطم میان فعالین کارگری بود که هنوز ادامه دارد.

تشکل های نوظهور نتیجه ضرورت دوره گذار و اتحاد عمل ضرورت پیش برد، دوره گذار هستند. بنابراین بدون اتحاد عمل دوره گذار به دوره همگرایی متحول نخواهد شد. می توان گفت دوره دگردیسی بدون اتحاد عمل بی معنا است. اتحاد عمل ضمن اینکه محصول اجتناب ناپذیر دوره گذار است به نتیجه رساننده این دوره نیز است. وحدت تمامی بخش های طبقه کارگر نتیجه اتحاد عمل و طی شدن پروسه دگردیسی و ورود به دوره و اگرایی خواهد بود. در همین حال متناسب با طی شدن دوره و گذار اتحاد عمل های قویتر ایجاد خواهد شد و در مقابل تشکل های متعلق به دوره و اگرایی هرچه بیشتر در جنبش هضم (اگر در پروسه گذار شرکت همسو داشته باشند) یا به حاشیه رانده خواهند شد. این دو ضرورت، وحدت تمامی بخشهای طبقه کارگر و هضم شدن در جنبش یا به حاشیه رانده شدن تشکل های دوره و اگرایی برآیند چالش های درون طبقه ای طی مدت زمان دوره دگردیسی است که این ضرورت تاریخی تحت شرایط و وضعیت کنونی طبقه کارگر ایران جهت ارتقاء و خروج از بن بست اجتناب ناپذیر است. در همین حال پیش برد چنین پروسه با رویکرد افزایش هم زمان کمیت و کیفیت در جنبش کارگری رسالت تاریخی رادیکالیزم کارگری است.

کمیته اقدام کارگری: چگونه اتحاد عمل شکل می گیرد؟

اتحاد عمل دارای موضوعات، سطوح و مقاطع مختلف می تواند باشد. آن چه در جهان امروز که هر لحظه کوچکتر و نزدیکتر می شود و در ایران که دارای شرایط بغرنج فعلی است، اتحاد عمل گسترده که به هیچ سطحی محدود نباشد، لازم است. از طیف گسترده یک اتحاد پروژه ای گرفته تا اتحاد عمل های جبهه ای منطقه ای و جهانی می تواند و باید پیش برود.

از طرفی با وجود جو اردوگاهی و پادگانی در کارخانجات و صنایع با توجه به قراردادهای موقت، بیکاری و بیکارسازی گسترده و تعیین سرنوشت کارگران توسط دشمنانش که عمده ترین مانع سر راه ایجاد تشکل های کارگری در محل کار است. برای شکستن چنین جوی و آزادسازی محیط کار برای ایجاد تشکل های کارگری اتحاد عمل های گسترده و فراصنفی ضرورت دارد. همان طور که گفته شد این وظیفه در مقطع فعلی به عهده رادیکالیزم کارگری است. که باید از بیرون جهت شکستن جو اردوگاهی و پادگانی در کارخانجات و صنایع فشار بیاورد. این که چگونه باید فشار وارد کند بحث فعلی نیست. از نظر من تنها محدودیت برای اتحاد عمل یک خط قرمز دارد که شرکت کنندگان در اتحاد عمل نباید وابسته به دولت و کارفرمایان باشند.

اما باید بدانیم که محیط کار میدان مبارزه و محل مبارزات میدانی برای بدست آوردن مطالبات است که توسط سرمایه داری به اردوگاه اسراء تبدیل شده است. در نتیجه مبارزه در میدانی به نام محل کار در حال حاضر امکان پذیر نیست یا بسیار سخت است. بنابراین وظیفه کارگران پیشرو و فعالین کارگری در مجموع رادیکالیزم کارگری گسترش همزمان و جابه جای موقت میدان مبارزه برای خروج از بن بست و آزاد سازی محیط کار است. تا حریف از ترس تغییر میدان مبارزه تن به آزاد سازی بدهد و کارگران برای ایجاد تشکل های خود آزاد شوند. بدست آوردن چنین نتایجی خود به اتحاد عمل های بسیار گسترده نیاز دارد. البته عنایت امروزی نشان می دهد شکل گیری اتحاد عمل ها با شرایط و جو فعلی بسیار کوچک و با برد کم است. اما بدلیل نتایج مثبت هر روز گسترده تر و قویتر می شوند. در حال حاضر می توان با صدور یک اطلاعیه با امضاء بیشتر و برگزاری مراسم های مشترک از جمله (مراسم روز جهانی کارگر) مسیر را برای اتحاد عمل های گسترده هموار کرد.

باید آگاهانه در کنار هم نشست. چرا که ما همگی همان بازیگران دوره تفرقه بوده و هستیم. هنوز وجود ما ملامت از رسوبات دوره واگرایی است نباید در کوتاه مدت از اتحاد عمل ها انتظار معجزه داشته باشیم. حتی به جرات می توانم بگویم تعدادی از بازیگران اتحاد عمل نه تنها اعتقادی به اتحاد عمل ندارند بلکه در اتحاد عمل شرکت می کنند تا از به بار نشستن آن جلوگیری کنند. چرا که با پیروزی اتحاد عمل ها موضوعیت وجودی خود و محفل مطلوب خود را از دست خواهند داد. بنابراین با حضور در جریان اتحاد عمل دو نقش بازی می کنند البته این در دوره دگرذیسی اجتناب ناپذیر است. بنابراین رادیکالیزم کارگری باید خود را برای ضربات احتمالی آماده کند.

کمیته اقدام کارگری: در این ارتباط موضوع دمکراسی کارگری و ضرورت عینی تقابل آن با دمکراسی سرمایه داری مطرح می شود. رابطه اتحاد عمل با دمکراسی کارگری و فراهم کردن زمینه برای بروز اراده بیشترین گرایشات و نیروهای کارگری درون طبقه کارگر چیست و آیا میتوان بدون در نظر گرفتن این دمکراسی به اتحاد عمل موفق و پایداری رسید؟

دمکراسی کارگری در حالی که مطالبه اصلی و مستمر و نتیجه مبارزات کارگران است در همین حال شاه بیت پروسه مبارزاتی طبقه کارگر نیز هست. بنابراین هیچ گونه جدایی بین مبارزات کارگری با دمکراسی کارگری نمی توان قائل شد و هر گونه جدایی بین دمکراسی کارگری در پروسه مبارزات با مطالبات کارگری ایجاد شود مبارزه به انحراف خواهد رفت. با توجه به این که هر مقوله ای دارای تحلیل طبقاتی است دمکراسی نیز از بدو تولد دارای سطوح و رتبه های مختلف و متناسب با مطالبات طبقات مختلف داشته است.

طبقه کارگر هر گونه محدودیت طبقاتی را رد می کند بنابراین دمکراسی حداکثری را پیش خواهد برد منتهی رشد آن متناسب با میزان رشد آگاهی طبقاتی کارگران خواهد بود. اتحاد عمل نشان از یک گام ارتقاء یافتگی نسبت به دوره واگرایی است در نتیجه دمکراسی کارگری نیز حداقل یک گام نسبت به گذشته متناسب با جریان اتحاد عمل باید ارتقاء یابد. البته عمده ترین مانع مسیر جنبش کارگری در همین نقطه است که تعدادی از بازیگران با ارتقاء دمکراسی کارگری اتوریتته خود را در خطر می بینند و جان سختی نشان می دهند. و برای مقابله دست به موازی سازی های متعدد می زنند.

از سویی در جنبش کارگری هرچه محدود نگری بیشتر باشد آن را بیشتر به سمت سرمایه داری سوق می دهد. دمکراسی کارگری هیچ گونه عمل گزینشی و بی برنامه گی و آناشسی را نمی پذیرد.

کمیته اقدام کارگری: برای شروع فعالیت در یک اتحاد عمل، اساسی ترین موضوعات به نظر شما کدام ها است. مطالباتی که گرایشات را به دور هم جمع میکند و یا برای شروع، پرداختن به موضوعات برنامه ای و اساسنامه ای و نظایر اینها؟

دمکراسی کارگری ما را ملزم می کند که گرایشات مختلف را همچون خود به رسمیت بشناسیم.

هدف نهایی رسیدن به جامعه بی طبقه و زندگی انسانی در واقع دمکراسی کارگری است. تمامی مقوله های دیگر از جمله شکل مبارزه ، تشکل های مختلف ، اساسنامه ، برنامه ها ، ... و اتحاد عمل همگی ابزار هستند. بنابراین نباید به خاطر ابزار هدف را تغییر داد. برای رسیدن به هدف هر کدام از ابزار ها لازم باشد استفاده خواهد شد. از طرفی دیگر هیچ مطالبه را بدون برنامه مشخص نمی توان بدست آورد و همچنین هیچ برنامه ای را بدون محور های مادی اش نمی توان عملی کرد . تنوری - پراتیک لازم و ملزوم یکدیگرند. در این بحث نیز مطالبه بخشی از برنامه است که در پروسه برنامه - عملکرد نمود می یابد. هدف از اتحاد عمل برنامه و اساسنامه نیست بلکه برنامه و اساسنامه برای ارتقاء و حفظ اتحاد عمل است که ملزم بودن و نوع آنها به شرایط و وضعیت اتحاد عمل بستگی خواهد داشت. آنچه می تواند موارد اساسی در اتحاد عمل باشد تحلیل مشخص از موقعیت و اهداف است . که ممکن است احتیاج به برنامه ریزی بلند مدت و اساسنامه داشته باشد . هر چند که برای تمامی اتحاد عمل ها برنامه ریزی حداقلی متناسب با برد آن لازم است. تا از اعمال آتارشی جلوگیری کرده و امکان بالفعل شدن پتانسیل طبقه کارگر را ایجاد کند.

1- همکاری در موارد مشترک با حفظ استقلال یکدیگر

2- مواردی که دارای اختلاف هستیم درحین برقراری اتحاد عمل در موارد مشترک باید در رابطه با اختلافات به بحث و تبادل نظر پرداخت و آنها را به اشتراکات تبدیل کرد. در واقع معنای دوره همگرایی یعنی همین.

کمیته اقدام کارگری: چرا این اتحاد عمل ها در پیش تر شکل نگرفتند؟

لازم است این سوال کمی تصحیح شود. این اتحاد عمل ها هنوز اتفاق نیافتاده اند. یعنی بر مبنای شورای همکاری هنوز هیچ اتحاد عملی شکل نگرفته . بلکه در حد مذاکرات و امضای یک اعلام موجودیت است و پس که آن هم بسیار با کندی عملی شده است . احتمال دارد این کندی مدت زمان بسیاری طول بکشد و فرصت سوزی های زیادی را به ما تحمیل کند که فعلاً" چاره ای نداریم . کندی ها از چهار مشکل عمده سرچشمه می گیرد. از یک سو هنوز هیچ کدام از شرکت کنندگان نتوانستند برنامه ها ، روش و میزان همکاری های خود را با شورا مشخص کنند. دوم اینکه هنوز ناپاوری در این مورد زیاد است. سوم هنوز برنامه ها ، حد توانایی ، امکانات و روش های شورا مشخص نشده است. در نهایت این شورا نیز دچار همان عدم پیوند با بدنه جنبش است که معضل تمامی تشکل های نوظهور بوده و هست. البته یکی از اهداف اصلی که باعث تشکیل این شورا شده، حل همین معضل است و امید واری بسیاری برای حل آن داریم.

دو نوع مانع عمده سر راه جنبش کارگری و وحدت طبقه کارگر وجود دارد

1- موانع بیرونی که مستقیماً" از جانب سرمایه داری تحمیل می شود

2- موانع درونی که از انحرافات و و خطاهای داخلی طبقه و جنبش کارگری سر چشمه می گیرد.

همانطوری که گفته شد بازیگران دوره گذار (پروسه دگرپرسی) همان بازیگران دوره واگرایی هستند . از طرفی اتحاد عمل نتیجه میان دوره ای دوره گذار است که با شروع دوره گذار به صورت اعلام نشده شروع شده است . اگر ساختار تشکل های نوظهور را بررسی کنیم به نوعی اتحاد عمل اعلام نشده برخورد خواهیم کرد که از پیوستن محافل ماکت شده با حفظ تاثیر پذیری از ماقبل تشکیل شدند. بالاخره پس از جان سختی های بسیار بدلیل ناتوانی تشکل های نوظهور در جوابگویی به نیاز های روز جنبش کارگری تن به اتحاد عمل بزرگتر و علنی دادند. در حالی که سه چهار سال قبل حتی به زبان آوردن اتحاد عمل میان گرایشات تحت جو سنگین واگرایی الحاد محسوب می شد. ولی امروز شاهد ذوب شدن کوههای یخی دوره واگرایی هستیم. بنابراین نه تنها می توان از اتحاد عمل سخن به میان آورد بلکه بخشی از فعالین ادغام را مد نظر دارند. برخی نیز برای حفظ محافل مطلوب خود تحت شرایط ضرورت اجتناب ناپذیر اتحاد عمل از اتحاد عمل های پروژه ای ، موردی و مقطعی دفاع می کنند. به نظر من اتحاد عمل پروژه نیست ، بلکه پروسه است . که آینده اش را نیاز های جنبش کارگری تعیین خواهد کرد و رادیکالیسم کارگری وظیفه برنامه ریزی و پیشبرد آن را به عهده دارد.

در شرایط فعلی تنها فراخوان اتحاد کمیته ها می توانست جواب مثبت بگیرد چون دارای رابطه بینابینی میان کمیته های دیگر بودند حتی رسالت تشکیل شدنش نیز همین بوده است. ضمن اینکه آنها تنها نبودند فعالین دیگری خارج از اتحاد کمیته های کارگری همسو و هماهنگ با آنها ضرورت اتحاد عمل را درک کرده و تلاش می کردند. در همین حال اتحاد عمل های اعلام نشده ، پراکنده ، بدون برنامه منظم با توان های متفاوت عملی شده اند که بارزترین آنها در رابطه با کارگران شرکت واحد بوده و هست. مورد بعدی که شاخص است اتحاد عمل معلمان است. اتحاد عمل معلمان طی مدت ها در حال شکل گیری بود به طوری که از به هم پیوستن کانون های صنفی معلمان شهر های مختلف (حدود چهل شهر) شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان تشکیل شدو باعث ارتقاء جنبش معلمان گردید که نتیجه اش را دیدیم.

موانع متعددی سر راه اتحاد عملها بودند و هستند که رو به زوال گذاشته اند. البته برخی از آنها را می توان از جمله موانع سازی، خود محوری، شکاف میان فعالین و بدنه جنبش، رهبران خود خوانده، سنگوارگی برخی از فعالین، خرده کاریها، محفل گرای، مصلحت گرای، بخصوص جدای اکثریت فعالین از محیط کارو... نام برد که همه ای آنها از مبارزه متحدانه کارگران برای بدست آوردن مطالبات و مقاومت در مقابل یورش سرمایه جلو گیری می کنند. تذکر این مورد مهم است که برخی از فعالین تخصص بالایی در موانع سازی دارند. به محض اینکه تعدادی از فعالین اقدام به ایجاد جمعی می کنند یا یک رهبر خود خوانده موقعیت اش در یک تشکل به خطر می افتد. موانع سازان بسیار سریع با جمع کردن اوان و انصار و پیروان که استقلال فکری و عملی ندارند، جمع موانع سازی تولید می کنند این افراد از دو طریق ضربه می زنند اول با گستراندن سایه و اتوریته خود جان سختی تفرقه و واگرایی رادیر پا کرده خود را تحمیل می کنند در همین حال از ساخته شدن رهبران مطابق با نیاز های جنبش جلو گیری می کنند. دوم مانع پیوستگی نیرو ها شده و از تاثیر گذاری و تاثیر پذیری اعضای بدنه جنبش جلو گیری می کنند.

کمیته اقدام کارگری: در این دوره که اتحاد عمل سراسری توسط برخی از فعالین فراخوانده شده و نشستی هم صورت گرفته؛ به نظر شما چه گامهایی ما را به اتحاد عمل نزدیک می کند؟

درواقع اتحاد عمل در شرایط فعلی گام اول سازمان یابی و سازمان دهی و ظرفیت سازی برای مبارزات سطوح بالاتر است. که یکی از اهداف مهم تمامی تشکل ها بود. اما هیچ کدام از آنها نتوانستند به تنهایی وظیفه سازمان دهی و سازمان یابی را عملی کنند. آنچه امروز برای پیش برد اتحاد عمل به عنوان ابزار جهت گذار از دوره واگرایی به دوره همگرایی لازم داریم عبارتند از:

- 1- برسمیت شناختن اختلاف نظرو استقلال یک دیگر
- 2- دوری از خود محوری
- 3- شروع همکاری در موارد مشترک
- 4- پیش برد مباحث نظری در موارد اختلافی
- 5- برخورد نقد خود و دیگران با صداقت و شفافیت
- 6- دامن زدن به دخالت گری حد اکثری در تمامی عرصه های مبارزاتی و پیش برد دمکراسی حد اکثری
- 7- گسترده کردن ارتباط بخشهای مختلف طبقه کارگر
- 8- پذیرش بی قید و بند تمامی بخش های طبقه کارگر به عنوان یک کل
- 9- دامن زدن به آموزش در موضوعات، ابعاد و سطوح مختلف
- 10- گسترش هرچه بیشتر وسائل و ابزار اطلاع رسانی از جمله نشریات و...

کمیته اقدام کارگری: اگر ممکنه در همین ارتباط درس های اساسی از دستگیری منصور اسالو و نقش کارگران پیشرو را ذکر کنید.

مسائل بسیاری وجود دارد که در این بحث نمی گنجد فقط چند موردی را ذکر می کنم. دستگیری اسالو در درون مجموعه ای از دستگیری ها اتفاق افتاد ولی به خاطر تلاش های زیاد و ثمر بخش او شاخص ترین شد دشمن می خواست از این تشخیص استفاده کرده حرکت های جمعی را با فردیت خلاصه کند حتی پرونده های مختلف دستگیر شده ها و پرونده های کاری آنها را با حیل های مختلف از هم جدا کرد همانطور که قراردادهای جمعی را به قراردادهای فردی و موقت تقلیل می دهد تا کارگران را از هم جدا کند. به هر حال خلاصه و وابسته کردن یک حرکت بزرگ جمعی به افراد در واقع اولین قدم سرمایه داری برای تفرقه و شکست دادن اتحاد کارگری است که همیشه چنین عمل کرده است. هر چند در شرایط این چنینی افراد تاثیر بسیاری دارند ولی اگر زمینه حرکت وجود نداشته باشد، افراد نمی توانند معجزه کنند. از طرفی نگهداری اسالو مدت زمان طولانی در بازداشت تلاش سرمایه داری برای پیشبرد مذاکرات و شکستن روحیه او بود، تا بتوانند سندیکای کارگران شرکت واحد را به شکست کشانده و از رتبه ارزشمندی که در جنبش کارگری بدست آورده است پایین آورده در حد خانه کارگر یا پایین تر قرار بدهند. البته عوامل سرمایه داری موفق نشدند. اما عدم همکاری سندیکای کارگران شرکت واحد با بقیه کارگران به صورت رسمی خود نوعی شکست سندیکای پیشرو است، که دشمن از این بابت خوشحال می شود. همانطور که گفته شد در مورد حرکت کارگران شرکت واحد اتحاد عمل اعلام نشده ای صورت گرفت که البته چندان قدرتمند نبود. ولی تجربه مثبتی از آن کسب شد. داشتن انتظار بیشتر غیر اصولی است. حرکت کارگران شرکت واحد در قالب سندیکای کارگران شرکت واحد پس از سالها رکود و با حاکمیت جو پلیسی بیشتر از این نمی توانست باشد. با توجه به شرایط، حرکت آنها خارق العاده بود. درست به همان دلایل گفته شده در بالا اتحاد عمل اعلام نشده و بدون برنامه ریزی نیز نمی توانست بازده بیشتر از این داشته باشد.

آنچه برای ما می تواند درسهای از حرکت های فوق چه از جانب سندیکای کارگران شرکت واحد و چه از جانب کارگران و فعالین در ابعاد مختلف باشد، عملی شدن کمک های مختلف حمایتی از سندیکا و کارگران شرکت واحد بود . دست یابی به برخی از اهداف و شفاف شدن اهداف مشترک دیگر و اقدام به ایجاد اعمال مشترک که نطفه های آن گذاشته شده است، بخش دیگری از تجربیات محسوب می شوند. و تجربیات بسیاری در رابطه با کارهای که باید انجام می دادیم که متأسفانه کوتاهی کردیم.

ارزیابی دقیق از عملکرد های کارگران شرکت واحد نمی تواند بدون در نظر گرفتن جمعی، شرایط بدست بیاید. استفاده از تجربیات اسالو و دیگر کارگران شرکت واحد بطور جمعی می تواند مثبت باشد. جنبش کارگری از کارگران شرکت واحد بخصوص هیئت مدیره و اسالو انتظار دارد، با شرکت فعال در مرکزیت جنبش تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. در همین حال عملکرد خود را دور از هر گونه خود محوری ارزیابی کنند. (و خود را بافته جدا تافته ندانند.) توصیه من به کارگران شرکت واحد ، هیئت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد و اسالو بسیار ساده است در حرکت های مختلف طبقه کارگر به عنوان بخش با تجربه شرکت کنید و تجربیات ارزشمند خود را به اشتراک بگذارید. دشمن مشترک است، باید به هر ترتیب مسیر حرکت های مشترک را هموار کنیم. تا چندی پیش کارگران شرکت واحد فقط مصرف کننده همکاریها بودند . شرکت نکردن سندیکای کارگران شرکت واحد در اتحاد عملها به طور رسمی از قانون گرای افراطی و... سرچشمه می گیرد که در کوتاه مدت زیانش متوجه جنبش ولی در بلند مدت متوجه سندیکای (پیشرو) خواهد شد و اگر این قانون گرای افراطی را کنار نگذارند اجباراً" در مقابل ضرورت های جنبش کارگری قرار خواهند گرفت.

توضیحاتی در رابطه با سوالات مطرح شده در مطالب زیر وجود دارد که متن های آنها سالهای قبل در سایت من درج شده اند (www.mav2339.150m.com)

دوستان و اعضاء محترم کمیته هماهنگی سلام

اعضاء محترم کمیته پی گیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

رادیکالیزم در کمیته پیگیری..

اختلاف نظر ها و تحلیل اساسنامه

تشکل های نوظهور و جنبش کارگری

(محفل ثقفی - دیوارگر و عظیم زاده)

کمیته اقدام کارگری - با تشکر از شما

فروردین 1386